

دکتر تیبریوس راتا، الهیات عهد عتیق، جلسه ۷، خدا به عنوان بازگرداننده

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر تیبریوس راتا در تدریس الهیات عهد عتیق است. این جلسه هفتم، خدا به عنوان احیاکننده است.

امروز، ما قرار است در مورد خدا به عنوان احیاکننده صحبت کنیم. خدا گناه را جدی می‌گیرد و به قوم خود گفته است، اگر توبه نکنید، شما را به تبعید خواهم فرستاد. من سرزمینی را که به شما وعده داده‌ام از شما خواهم گرفت. و پیامبران در مورد دلیل این تبعید بسیار صحبت کرده‌اند.

در واقع، وقتی نوشته‌های پیامبران را می‌خوانیم، این سه مضمون بارها و بارها تکرار می‌شوند. گناه، داوری و بازگشت. بنابراین بنی اسرائیل گناه کرده‌اند و خدا پیامبران را می‌فرستد و به آنها می‌گوید، خداوند چنین می‌گوید، شما گناه کرده‌اید.

و چون گناه کرده‌ای، خدا می‌گوید، تو را داوری خواهم کرد. و یکی از داوری‌ها تبعید بود. او می‌گوید تو را به تبعید خواهم برد.

و خدا دقیقاً همین کار را کرد. به پادشاهی شمالی تا تبعید آشوریان و به پادشاهی جنوبی یهودا تا تبعید بابلی‌ها. اما وقتی انبیا را می‌خوانید، باید تا انتها بخوانید زیرا زبان احیا نیز در آنها وجود دارد.

خدا وعده داده و می‌گوید، من شما را برمی‌گردانم. من شما را برمی‌گردانم. بسیاری از مردم خواندن آثار انبیا را متوقف می‌کنند، زیرا گاهی اوقات بسیار خسته‌کننده و تکراری است.

گناه، داوری، گناه، داوری. اما وقتی صحبت از بازگشت به زندگی می‌شود، باید تا انتها بخوانید. خدا همیشه وعده می‌دهد که قوم خود را بازمی‌گرداند و بازگشتی رخ خواهد داد.

بنابراین، خدایی که داوری می‌کند، خدایی است که باز می‌گرداند. حال، یک تعریف ساده انگلیسی از بازگرداندن، بازگرداندن به موقعیت یا شرایط سابق است. اما وقتی در مورد بازگرداندن کتاب مقدس صحبت می‌کنیم، در مورد تجدید بخت قوم خدا پس از تجربه تبعید صحبت می‌کنیم.

و باز هم، باید در نظر داشته باشیم که هر دو پادشاهی شمالی و جنوبی به تبعید رفتند. وقتی آنها تحت رهبری زروبابل، عزرا و نحمیا بازگشتند، دیدیم که مردم از همه قبایل بازگشتند. این یک احیای کامل و تمام عیار بود.

بنابراین، وعده‌های احیا این است که قوم خدا در تمام پیامبران وجود دارد. بنابراین، بیایید به تدریج و به ترتیب زمانی به آن نگاه کنیم. به عنوان مثال، دوباره، برخی از محققان در مورد تاریخ یوئیل بحث می‌کنند؛ برخی آن را در قرن نهم و برخی شاید دیرتر می‌دانند.

یوئیل وعده داد، هر جا که فرود آییم، خدا از طریق یوئیل، بازگشت از تبعید را وعده می‌دهد. زیرا بنگرید، در آن روزها و در آن زمانی که بخت یهودا و اورشلیم را باز می‌گرداندم، همه ملت‌ها را جمع می‌کردم و آنها را به دره یهوشافاط می‌آوردم. سپس آنها را به خاطر قوم خود و میراث اسرائیل، که آنها را در میان ملت‌ها پراکنده کرده‌اند و سرزمین مرا تقسیم کرده‌اند، به داوری خواهم کشاند.

بنابراین، خداوند وعده بازسازی سرزمین را می‌دهد. در پایان کتاب، از طریق عاموس، به قرن هشتم می‌رسیم و من اسارت قوم خود اسرائیل را باز خواهم گرداند و آنها شهرهای ویران شده را بازسازی کرده و در آنها زندگی خواهند کرد. آنها همچنین تاکستان‌ها خواهند کاشت، شراب آنها را خواهند نوشید، باغ‌ها خواهند ساخت و میوه‌های آنها را خواهند خورد.

ایده این است که بازسازی کامل خواهد شد. معاصر عاموس، هوشع و یهودا، زمانی که من ثروت قوم خود را بازگردانم، برداشتی برای تو مقرر شده است. اشعیا، که او نیز پیامبر قرن هشتم است، چیز کوچکی است که تو باید بنده من باشی تا قبایل یعقوب را برخیزانی و قبایل نجات‌یافته اسرائیل را بازگردانم.

من همچنین تو را نوری برای ملت‌ها خواهم ساخت تا نجات من تا اقصای زمین برسد. در هر قرن، خدا پیامبرانی می‌فرستد و می‌گوید: من تو را داوری خواهم کرد، اما تو را نیز باز خواهم گرداند. ارمیا، به حیات خداوند، بنی اسرائیل را از سرزمین شمال و از تمام کشورهای که آنها را به آنجا تبعید کرده بود، آورد، زیرا من آنها را به سرزمین خودشان که به پدرانشان داده بودم، باز خواهم گرداند.

ضمناً، ارمیا هم قرن هفتم و هم قرن ششم را در بر می‌گیرد، زیرا او در واقع شاهد ویرانی اورشلیم در سال ۵۸۷ است. ضمناً، در ارمیا، خداوند از زبان قضاوت زیاد استفاده می‌کند، اما زبان بازسازی نیز زیاد است. در فصل آیه ۲۲، آنها به بابل برده خواهند شد و تا روزی که من از آنها بازدید کنم، در آنجا خواهند بود، خداوند ۲۷، اعلام می‌کند، سپس آنها را باز خواهم گرداند و به آن مکان باز خواهم گرداند.

بنابراین، در ارمیا، خدا نه تنها گفت که آنها به تبعید می‌روند، بلکه پیشگویی کرد که این تبعید ۷۰ سال طول خواهد کشید. ارمیا ۲۹ آیه ۱۴، خداوند می‌گوید: «من را خواهید یافت، من بخت شما را باز خواهم گرداند، و شما را از میان همه ملت‌ها، از همه مکان‌هایی که شما را از آنجا رانده‌ام، جمع خواهم کرد، خداوند می‌گوید و شما را به جایی که از آنجا فرستاده‌ام، باز خواهم گرداند.» در واقع، در اینجا در ارمیا، پس از ارمیا ۲۹ و ۳۰: «تا ۳۳، ما یک کتاب کامل به نام کتاب تسلی داریم، که در آن خداوند وعده اعطای عهد جدید را می‌دهد.

و بخشی از آن نیز زبانی برای بازگشت است. در فصل ۳۲، مردان باید مزارع را با پول بخرند، اسناد را امضا و مهر کنند و شاهدانی را در سرزمین بنیامین، در اطراف اورشلیم، در شهرهای یهودا، در شهرهای کوهستان، در شهرهای دشت، در شهرهای نقب احضار کنند، زیرا خداوند اعلام می‌کند که من ثروت آنها را باز خواهم گرداند. بنابراین، این بخشی از آن کتاب تسلی یا کتاب تسلی است، جایی که اگرچه ارمیا در مورد گناه و داوری بسیار صحبت می‌کند، اما زبان بازگشت نیز وجود دارد.

به حزقیال، پیامبر قرن ششم، می‌رسیم، بنابراین، خداوند متعال چنین می‌گوید: اکنون من بخت یعقوب را باز خواهم گرداند و بر تمام خاندان اسرائیل رحم خواهم کرد و برای خیر خود، برای نام مقدس خود، غیرت خواهم ورزید. بنابراین شما پیامبران قبل از تبعید، پیامبران تبعید و سپس پیامبران پس از تبعید را دارید. اما پس از تبعید چه اتفاقی می‌افتد؟ شما عزرا و نحمیا را دارید.

و در کتاب عزرا و نحمیا است که ما شرح بازسازی واقعی را داریم. همچنین شرحی از آنچه در کتاب عزرا اتفاق می‌افتد را داریم. اما اکنون، برای لحظه‌ای کوتاه، خداوند خدای ما لطفی نشان داده است تا بازماندگانی را برای ما باقی بگذارد.

و در اینجا، ایده الهیات بازماندگان را دریافت می‌کنیم. باز هم، همه به تبعید نرفتند، اما همه هم برنگشتند. اما خدا درباره بازماندگان وفادار صحبت می‌کند که باز خواهند گشت.

بنابراین، الهیات بازماندگان در انبیا بسیار مهم است. پس، ای بازماندگانِ رهایی‌یافته، در مکان مقدس خود به ما میخی بده تا خدای ما چشمان ما را روشن کند و در بندگی‌مان اندکی تجدید حیات به ما عطا فرماید. زیرا ما برده‌ایم، اما در بندگی‌مان، خدای ما ما را رها نکرده است، بلکه در نظر پادشاهان پارس به ما لطف و محبت داشته است تا به ما تجدید حیات دهد، خانه خدای ما را برپا کند، ویرانی‌های آن را بازسازی کند و در یهودا و اورشلیم به ما دیواری عطا کند.

تمام وعده‌های بازگشت در کتاب‌های عزرا و نحمیا محقق شده‌اند. حال، همانطور که سه تبعید به تبعید وجود داشت، سه بازگشت از تبعید نیز وجود دارد. سه تبعید وجود دارد: ۶۰۵ قبل از میلاد، ۵۹۷ قبل از میلاد و ۵۸۷ قبل از میلاد. به همین ترتیب، سه بازگشت از تبعید تحت رهبری رهبران مختلف داریم.

بنابراین اولین موردی که در عزرا ۱-۶ شرح داده شده است، حدود ۵۰۰۰ یهودی است که تحت رهبری شیش بازار، زروبابل و یسوعا بازمی‌گردند. مورد دوم در عزرا ۷-۱۰ شرح داده شده است: حدود ۲۰۰۰ اسرائیلی تحت رهبری عزرا بازمی‌گردند. سپس، مورد سوم، تحت رهبری نحمیا، در حال بازگشت است و تعداد نامشخصی نیز در حال بازگشت هستند.

هر سه نفر دوباره در کتاب‌های عزرا و نحمیا توصیف شده‌اند. هم عزرا و هم نحمیا ثابت کردند که رهبران بزرگی هستند که خدا برای این زمان برانگیخته است. حال، عزرا بیشتر یک رهبر معنوی است؛ او یک معلم شریعت است.

نحمیا گاهی اوقات یک سیاستمدار است؛ او یک فرماندار است، اما یک رهبر نیز هست. و گاهی اوقات، او با یک دست کلام و با دست دیگر شمشیر می‌جنگد، که ما می‌آموزیم که گاهی اوقات یک رهبر نیاز به برنامه‌ریزی و دعا دارد. و ضمناً، نحمیا مرد دعا است.

ما دعا‌های زیادی از او در کتاب نحمیا ثبت کرده‌ایم، اما گاهی اوقات متوجه می‌شویم که در حالی که باید دعا کنیم، گاهی اوقات باید از زانوهایمان بلند شویم و کاری انجام دهیم. بنابراین، همانطور که کسی گفته است، تقوا جایگزین آمادگی نیست. و آمادگی نیز جایگزین تقوا نیست.

شما به هر دو نیاز دارید. و نحمیا ثابت می‌کند که این رهبر بزرگ است، و هم عزرا و هم نحمیا رهبران بزرگی در این فرآیند بازسازی هستند. در نحمیا ۳، بازسازی دیوار را می‌بینید، و گاهی اوقات دیوار متوقف می‌شود، و ساخت و ساز به دلیل سنبلط، طوبیا و جرشوم عرب متوقف می‌شود.

شما مخالفان زیادی دارید. و ما اینجا یاد می‌گیریم که گاهی اوقات، وقتی کاری را درست انجام می‌دهیم، با مخالفت روبرو می‌شویم. به یاد داشته باشید که مخالفت لزوماً نشانه این نیست که شما کار اشتباهی انجام می‌دهید.

گاهی اوقات مخالفت نشانه‌ی این است که شما کار درستی انجام می‌دهید. و ما این را هم در مورد عزرا و هم در مورد نحمیا می‌بینیم، زیرا آنها با مخالفت زیادی روبرو می‌شوند. و مردم علیه نحمیا توطئه می‌کنند.

آنها علیه او بد می‌گویند. آنها دروغ می‌گویند. و با این حال نحمیا پافشاری می‌کند.

در فصل ۶، به ما گفته شده است که ساخت دیوار در بیست و پنجمین روز از کوه ایلول در ۵۲ روز به پایان رسید، که مسلماً یک زمان معجزه‌آسا و بی‌سابقه است. و هنگامی که همه دشمنان ما از آن باخبر شدند، همه ملت‌های اطراف ما ترسیدند و به خود بسیار مغرور شدند، زیرا دریافتند که این کار با کمک خدای ما انجام شده است. حتی کافران نیز آنچه را که اتفاق می‌افتد می‌بینند و می‌دانند که خدا در کار است.

سپس، در نحمیا، فهرست بازگشتگان را دارید، و آنها سرانجام عید خیمه را جشن می‌گیرند. آنها عید فصح را جشن می‌گیرند و سپس دیوار معبد را تقدیس می‌کنند. اکنون، آنها از تبعید بازگشتند.

آیا این به آن معناست که آنها تا ابد با خوشی زندگی کردند؟ نه، باز هم، آنها به خاطر خوبی دلشان برنگشتند. آنها به خاطر اینکه زندگی مقدسی داشتند برنگشتند. آنها برگشتند چون خدا قول داده بود که بازخواهند گشت.

بنابراین، آنچه می‌بینیم این است که خدا وفادار است. و خدا فقط وعده‌دهنده نیست. او به وعده‌هایش عمل می‌کند.

حال، وقتی به عهد جدید می‌رسیم، در لوقا و اعمال رسولان این مضمون احیای اسرائیل را می‌بینیم. سوال این است که آیا احیای اسرائیل به طور کامل انجام شد؟ زیرا وقتی عیسی از لوقا فصل ۴ در کنیسه می‌خواند، به یاد داشته باشید که آنها طومار را نزد او می‌آورند، همانطور که او در کنیسه ناصره است. عیسی از اشعیا ۶۱ نقل قول می‌کند: روح خداوند بر من است، زیرا او مرا مسح کرده است تا مژده را به فقرا برسانم.

او مرا فرستاده است تا آزادی را به اسیران اعلام کنم و بینایی را به نابینایان بازگردانم و ستم‌دیدگان را رهایی بخشم تا سال لطف خداوند را اعلام کنم. پس آیا احیای اسرائیل همانطور که اشعیا پیشگویی کرده بود تکمیل شد؟ اشعیا ۶۱، متن اصلی را داریم. روح خداوند بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مژده را به فقرا برسانم.

او مرا فرستاده است تا دلشکستگان را التیام بخشم، آزادی را به اسیران و آزادی را به زندانیان اعلام کنم، سال لطف خداوند و روز انتقام خدای ما را اعلام کنم، همه سوگواران را تسلی دهم، به سوگواران صهیون، تاجی زیبا به جای خاکستر، روغن شادی به جای سوگواری، جامه ستایش به جای روح ضعیف ببخشم، تا آنها را بلوط‌های عدالت، و نهال خداوند بنامم، تا او جلال یابد. آنها ویرانه‌های باستانی را آباد خواهند کرد ویرانه‌های پیشین را برپا خواهند داشت، شهرهای ویران شده، ویرانه‌های نسل‌های متمادی را تعمیر خواهند کرد. غریبه‌ها خواهند ایستاد و گله‌های شما را چرانند، بیگانگان شخم‌زن و باغبان شما خواهند بود، اما شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد.

آنها از شما به عنوان خادمان خدای ما سخن خواهند گفت؛ شما ثروت ملت‌ها را خواهید خورد و به جلال آنها افتخار خواهید کرد. به جای شرم، سهم مضاعفی خواهند داشت؛ به جای بی‌آبرویی، از سرنوشت خود شادمان خواهند شد؛ بنابراین، در سرزمین خود، سهم مضاعفی خواهند داشت و شادی جاودانی خواهند داشت. زیرا من، خداوند، عدالت را دوست دارم، از دزدی و ظلم متنفرم، به آنها با وفاداری پاداش خواهم داد. و با آنها پیمانی جاودان خواهم بست.

نسل ایشان در میان ملت‌ها و نسل‌هایشان در میان قوم‌ها شناخته خواهند شد و هر که ایشان را ببیند تصدیق خواهد کرد که نسلی از خداوند دارند که ایشان را برکت داده است. من در خداوند بسیار شادمان خواهم شد، جانم در خدای خود به وجد خواهد آمد، زیرا او مرا با جامه نجات پوشانده، ردای پارسایی به من پوشانده است، چنانکه دامادی خود را مانند کاهنی با سریند زیبا می‌آراید، و چنانکه عروسی خود را با جواهراتش می‌آراید. زیرا چنانکه زمین جوانه‌های خود را بیرون می‌آورد، و چنانکه باغ آنچه را که کاشته است، جوانه می‌زند، چنانکه خداوند یهوه عدالت و ستایش را در برابر همه ملت‌ها خواهد رویانید.

بنابراین، سوال این است که آیا همه اینها قبلاً انجام شده است یا بخشی از بازسازی هنوز در آینده انجام خواهد شد؟ در اعمال رسولان فصل ۳، آیات ۹، ۱۹ تا ۲۱، می‌خوانیم، پس توبه کنید و بازگردید تا گناهانتان

پاک شود، تا زمان‌های تجدید قوا از حضور خداوند فرا رسد، تا او مسیح منصوب برای شما عیسی را بفرستد که آسمان باید او را تا زمان بازسازی همه چیزهایی که خدا مدت‌ها پیش از زبان پیامبران مقدس خود درباره آنها گفته بود، بپذیرد. اوه، بنابراین به نظر می‌رسد که بازسازی در زمان عزرا و نحمیا انجام نشده است، اما نوعی بازسازی باید در طول سلطنت مسیح انجام شود. محقق ان. تی. رایت می‌گوید که بازسازی اسرائیل هنوز کامل نشده است، به یک معنا اسرائیل هنوز در حالت تبعید است.

بنابراین، او استدلال کرده است که برای بسیاری از یهودیان، تبعید اسرائیل پایان نیافته است و تا زمانی که خدا قوم خود را نجات ندهد، پایان نخواهد یافت. این بسیار شبیه به آنچه پولس در رومیان 11:26 می‌نویسد، است، زمانی که او می‌نویسد در پایان، تمام اسرائیل نجات خواهد یافت. بنابراین به نظر می‌رسد در آخرالزمان، حوالی ظهور دوم مسیح، یک تغییر کیش گسترده از یهودیان رخ خواهد داد که عیسی را به عنوان مسیح موعود خواهند پذیرفت.

اکنون می‌دانیم، آنها در قلب هستند، همانطور که پولس در رومیان می‌نویسد. این همان چیزی است که ان تی. رایت می‌نویسد که اگرچه او از بابل بازگشته بود، پیام باشکوه پیامبران همچنان ناتمام ماند. اسرائیل هنوز در بند بیگانگان بود.

بدتر از آن، خدای اسرائیل به صهیون بازگشته بود. خیلی خیلی جالب است. یسوعا بن سیرا ۱۰۰ سال قبل از میلاد، یک کاتب و حکیم یهودی هلنیستی بود.

او نویسنده کتاب اکلسیاستیکوس است که با نام کتاب سیراخ نیز شناخته می‌شود. او معتقد بود که اسرائیل حداقل برای کسانی که در تبعید در خارج از کشور پراکنده شده‌اند، در وضعیت ظلم و ستم باقی مانده است. و این ایده‌ای است که ان تی رایت نیز به آن معتقد است.

ما همچنین تصاویر تبعید را در طومارهای دریای مرده و کتاب باروک دوم مربوط به قرن دوم پیش از میلاد داریم. در آن زمان، پس از مدت کوتاهی، صهیون دوباره بازسازی خواهد شد و هدایا بازگردانده می‌شوند و کاهنان دوباره به خدمت خود باز می‌گردند و ملت‌ها دوباره به آن احترام خواهند گذاشت، اما نه به طور کامل مانند قبل. بنابراین، عیسی چه نقشی ایفا می‌کند؟ وقتی عیسی ۱۲ شاگرد را منصوب می‌کند، سوال این است که آیا این قرار است نمادی از بازسازی ۱۲ قبیله اسرائیل باشد؟ این سوالی است که پاسخی ندارد.

اما عیسی می‌گوید که ۱۲ شاگرد بر ۱۲ تخت خواهند نشست و ۱۲ قبیله اسرائیل را داوری خواهند کرد. بنابراین، باز هم به نظر می‌رسد که تداوم زبانی از پیامبران وجود دارد. متی ۱۹ ۲۸ عیسی می‌گوید، به راستی به شما می‌گویم در دنیای جدید، هنگامی که پسر انسان بر تخت جلال خود خواهد نشست، شما که از من پیروی کرده‌اید، بر ۱۲ تخت خواهید نشست و ۱۲ قبیله اسرائیل را داوری خواهید کرد.

باز هم، به نظر می‌رسد که در اینجا زبان داوری این است که بازگشت هنوز محقق نشده است. بنابراین، یک اسرائیل کاملاً احیا شده شبیه به دوره ایده‌آل پیش از تبعید خواهد بود، زمانی که خدا پادشاه اسرائیل بود. بنابراین، وقتی به این چیزها فکر می‌کنیم، باید به وعده‌هایی که به ابراهیم داده شد نیز فکر کنیم، زیرا برخی می‌گویند، خب، برخی از وعده‌ها محقق شدند، اما اسرائیل هرگز سرزمین خود را به طور کامل پس نگرفت، و این اتفاق تنها زمانی افتاد که مسیح دوباره آمد.

بنابراین، پیشگویی‌های خاصی وجود دارند که فقط در آخرالزمان محقق می‌شوند. و عیسی در انجیل مرقس، به پیشگویی زکریا اشاره می‌کند. در زکریا فصل ۲، دوباره، پیامبر پس از تبعید، از آیه ۶ شروع می‌شود ۱۳، رویایی وجود دارد: «از سرزمین شمال فرار کنید، زیرا من شما را مانند بادهای چهارگانه آسمان اعلام می‌کنم، خداوند شما را به صهیون فرار می‌دهد، ای کسانی که با دختر بابل ساکن هستید»

خب، این درباره اولین تبعید بابلی صحبت نمی‌کند، زیرا این پس از آن نوشته شده است. زیرا خداوند لشکرها پس از این جلال چنین گفت: مرا نزد ملت‌هایی که شما را غارت کردند بفرست، زیرا هر که مردمک چشم او را لمس کند، اینک من دست خود را بر آنها خواهم فشرد و آنها برای کسانی که به آنها خدمت می‌کنند، غنیمت خواهند شد. آنگاه خواهی دانست که خداوند لشکرها مرا فرستاده است، سرود بخوان و شادی کن، ای دختر صهیون، زیرا اینک من می‌آیم، من در میان تو ساکن خواهم شد، خداوند می‌گوید و ملت‌های بسیاری در آن روز به خداوند خواهند پیوست و قوم من خواهند بود و من در میان تو ساکن خواهم شد و خواهی دانست که خداوند لشکرها مرا نزد شما فرستاده است و خداوند یهودا و سهم او را در سرزمین مقدس به ارث خواهد برد و دوباره اورشلیم را برخواهد گزید. بنابراین، این آشکارا زبانی آخرالزمانی است، و در مرقس فصل ۱۳ عیسی به همین متن در مرقس ۱۳:۲۴ اشاره می‌کند: اما در آن روزهای پس از آن مصیبت، خورشید تاریک خواهد شد و ماه نور خود را نخواهد داد و ستارگان از آسمان فرو خواهند ریخت و نیروهای آسمان متزلزل خواهند شد و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابرها می‌آید و سپس او فرشتگان را خواهد فرستاد و برگزیدگان خود را از چهار گوشه زمین تا به اقصای آسمان گرد هم خواهد آورد. این همان زبانی است که زکریا دوباره از آن استفاده کرد.

بنابراین، عیسی پیام و رسالت خود را به عنوان آغاز پایان تبعید اسرائیل درک کرد؛ با این حال، احیای کامل تا زمان بازگشت دوباره مسیح اتفاق نخواهد افتاد. بنابراین، به یک معنا، یک تحقق تاریخی فوری وجود دارد. وقتی مسیح اینجا بود، تحقق مسیح وجود داشت، اما وقتی مسیح دوباره بیاید، تحقق نهایی وجود دارد.

من دکتر تیبریوس راتا هستم در تدریس در مورد الهیات عهد عتیق. این جلسه هفتم است، خدا به عنوان احیاکننده.